

## شهروندان جامعه اسلامی و بایسته‌های توسعه اخلاق و معنویت از منظر قرآن کریم با تاکید بر بیانیه گام دوم

□ محمدلطیف مطهری \*

### چکیده

اخلاق و معنویت، غلبه دادن و حاکم کردن جنبه‌های اعلای وجود بر جنبه‌های اسفل آن می‌باشد. جامعه اسلامی به دنبال پیوند زندگی و بندگی است و می‌خواهد دین و معنویت را به عنوان عاملی تأثیرگذار در همه سطوح فرایندهای اجتماعی وارد کند. جامعه منهای اخلاق و معنویت، یک جامعه شکست خورده در همه عرصه‌ها است. مقوله اخلاق و معنویت در حقیقت، از مهم‌ترین پله‌های ترقی و سعادت فرد و جامعه بوده است. در وضعیت کنونی که اخلاق و معنویت نسبت به امور دیگر، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. دقت در مفهوم، عناصر، موانع، آسیب‌ها و راهکارهای برون رفت از آن یک ضرورت است. زیرا توسعه اخلاق و معنویت در فضای عمومی جامعه، بدون رفع موانع و آسیب‌ها امکان‌پذیر نیست. در متن بیانیه گام دوم از میان هفت توصیه، از نظر ترتیب، توصیه به اخلاق و معنویت جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است و بیش از بیست و سه بار از واژه اخلاق و بیش از چهارده بار از واژه معنویت استفاده شده و تحقق آن دو، نیازمند جهاد و تلاش دانسته شده است. هدف این پژوهش تبیین اهمیت توسعه اخلاق و معنویت و از دستاوردهای آن و شناسایی مهم‌ترین موانع آن در جامعه اسلامی است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. برخی موانع توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی موانع فکری، رجحانی و رفتاری با عامل درونی و بیرونی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهروندان، جامعه اسلامی، توسعه، اخلاق، معنویت.

---

\* دکتری فقه تربیتی و استاد گروه فقه تربیتی جامعه المصطفی ص العالمیه.

## مقدمه

مکتب حیات بخش اسلام به عنوان آخرین شریعت الهی، دینی جامع و کامل است و برای جنبه‌های مختلف زندگی انسان که از آن جمله زندگی اجتماعی انسان است، دارای قانون و توصیه‌های اخلاقی است. قدرت‌های حاکم در جامعه جهانی، به ویژه در سده اخیر، به حذف اخلاق، معنویت و ارزشهای والای انسانی از زندگی جوامع بشری پرداخته و به صورت جدی این موضوع را دنبال کرده اند و نتیجه آن نیز گسترش فساد اخلاقی و بی بندوباری گردیده است. در واقع در جامعه کنونی، معنویت را می توان حلقه گمشده روابط اجتماعی دانست. امام خمینی علیه السلام بر این باور بودند که تا معنویت و عقیده به توحید و معاد در کسی نباشد، محال است انسان از خود بگذرد و در فکر امت باشد. انسان از آغاز تا فرجام زندگی اش به معنویت نیاز ذاتی دارد و هرگاه از چنین نیاز وجودی غفلت کرده، دچار خسارتهای فراوان شده و آنگاه که به این نیاز درونی و فطری از مسیر صحیح توجه داشته است، دارای آرامش، آسایش و صاحب پیشرفت در ساحت های گوناگون زندگی شده است. معنویت است که فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماری های اخلاقی و روحی و حتی مشکلات گوناگون اقتصادی و سیاسی حفظ می کند و یک جامعه معنوی دارای مصونیت از خطرات مختلف خواهد بود. شناسایی و رفع موانع و آسیب های اخلاق و معنویت یکی از شرایط و پیش نیازهای تحقق فضایل اخلاقی و ارزش های معنوی در جامعه است. با نگاهی دقیق به بیانیه گام دوم انقلاب، معلوم می شود که اخلاق و معنویت روح حاکم بر سایر توصیه ها بوده، همه امور، حول محور اخلاق و معنویت می چرخند؛ چنانکه در تعبیری جامع اهمیت و جایگاه اخلاق به اکسیژن و هوایی لطیف تشبیه شده است که اگر در جامعه بشری وجود داشته باشد، انسان ها می توانند با تنفس آن، زندگی سالمی داشته باشند، [در حالی که] با نبود اخلاق و حاکمیت بی اخلاقی، حرص ها، هوای نفسها، جهالت ها، دنیاطلبی ها، بغض های شخصی، حسادت ها، بخل ها، سوءظن به یکدیگر فراگیر می شود. با وجود این رذائل اخلاقی، زندگی سخت، فضا تنگ و قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد.

## بیان مسئله

مقوله اخلاق و معنویت در حقیقت، از مهم‌ترین پله‌های ترقی و سعادت فرد و جامعه بوده، در وضعیت موجود که اخلاق و معنویت به نسبت امور دیگر، کمتر مورد توجه و اولویت جدی قرار می‌گیرد، دقت در مفهوم، عناصر، موانع، آسیب‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن و راهکارهای برون‌رفت یک ضرورت است؛ زیرا پرورش توانایی‌های انسان و افزایش معیارهای معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، بدون رفع موانع و آسیب‌های فراروی آن امکان‌پذیر نیست.

یکی از توصیه‌های اساسی که رهبر معظم انقلاب مدظله العالی در بیانیه گام دوم به عنوان سندی راهبردی و تمدن‌ساز مطرح کرده‌اند، معنویت و اخلاق است. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. به خاطر اهمیت و جایگاه ارزشمند معنویت و اخلاق لازم است به بررسی بایسته‌های توسعه اخلاق و معنویت در پیشرفت جامعه اسلامی پرداخته شود. لذا این پژوهش تبیین اهمیت توسعه اخلاق و معنویت و مهم‌ترین موانع توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی را بررسی خواهد کرد.

## اهمیت و ضرورت پرداختن به اخلاق و معنویت

انسان مرکب از دو بُعد جسم و جان است و بعد جان و روح، جوهره و حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، دو فضیلت متعالی اخلاق و معنویت با تأمین نیازهای روحانی آدمی، در حقیقت هستی و حقیقت انسان را تحقق می‌بخشند. هیچ‌کس حتی مکاتب فکری مادی و پیروانشان که از جهان، جامعه و بشر تفسیر مادی و ظاهری ارائه می‌دهند، نیز احساس نیاز جامعه به اخلاق و معنویت را انکار نمی‌کنند. معنویت در وجود انسان، مایه هدف‌دار شدن و معنابخشی به زندگی شده، به آن جهت می‌دهد. پیام معنویت در سطح جهان و جبهه جهانی و بین‌المللی انقلاب است. در متن بیانیه گام دوم از میان هفت توصیه، از نظر ترتیب، توصیه

به اخلاق و معنویت جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است و بیش از بیست و سه بار از واژه اخلاق و بیش از چهارده بار از واژه معنویت استفاده شده و تحقق آن دو، نیازمند جهاد و تلاش دانسته شده است. در این بیانیه از اخلاق و معنویت به مثابه موتور محرکه انقلاب و چرخ دنده حرکت از وضع موجود به سمت آرمان ها یاد شده است: معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آن ها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. در جای دیگر بیانیه تصریح شده است: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می آورد. افزایش ناهنجاری های اخلاقی و معنوی در کشورهای مرفه و حتی افزایش آمارهای طلاق، اضطراب و ناهنجاری ها در مناطق نسبتاً مرفه و اعیان نشین یک شهر نسبت به کشورها و مناطق محروم و متدین، به خوبی حقیقت یاد شده را تأیید می کنند. همه این نمونه ها، به روشنی جایگاه و اهمیت پرداختن به اخلاق و معنویت را روشن می سازند.

## مفاهیم

### معنی شهروند

واژه شهروند در فرهنگ دهخدا، این گونه تعریف شده است: «اهل یک شهر یا یک کشور.» همچنین آمده است که «وند» موجود در این واژه در گذشته «بند» و در واقع، این واژه «شهربند» بوده است، به معنای کسی که به شهری بند است (آرزو رضایی پور، ص ۱۱). بر اثر گذشت زمان، این بند به «وند» تبدیل شده است. «ی» موجود در شهروندی؛ یعنی هر چیز مربوط به شهروند. در فرهنگ معاصر گفته شده است شهروند کسی است که اهل شهر یا کشوری باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است،

اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهاننیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته است.

### تعریف جامعه

واژه جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» و به معنای گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده است. (دهخدا، ج ۵، ص ۶۴۸۹) در علوم اجتماعی هر یک برحسب وابستگی به مکتب یا رویکرد خاص، در تعریف خود از جامعه به عناصری اشاره کرده‌اند، مثلاً برخی به عناصری مانند اهداف عام‌المنفعه تأکید کرده‌اند (کینگ) (کینگ سامونل، ص ۲۰۱) و (صلیبا، جمیل، ص ۱۵۲). برخی دیگر سنت‌ها، عبادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه بر شمرده‌اند. عده‌ای وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، برخورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد، یا هدف، سر زمین و فرهنگ مشترک و پیوندهای زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته‌اند (بیرو) (بیرو، ص ۳۸۷) و عده‌ای آن را به جمع شدن ارادی افراد برای به دست آوردن امتیازهای مستقیم و غیر مستقیم تعریف کرده‌اند (سوه) و (گولد) (گولد، جولوس و ویلیام کولب، ص ۲۸۸) در یک نگاه کلی: می‌توان جامعه را عبارت از مجموعه‌انسان‌هایی دانست که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۳۳۳) و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آنها را به هم پیوند می‌دهد و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است. (درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۳۴۹)

### معنی توسعه

لفظ توسعه مصدر ثلاثی از ریشه‌ی «وَسَع» به معنای ایجاد وسع و فراخی است. توسعه به معنای فراخی و فراخ کردن است. (دهخدا، ص ۱۱۱۵) واژه توسعه، معادل لفظ انگلیسی (development) است که مشتق از واژه (develope) به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف در آمدن است، این پوسته و غلاف هم در

زبان انگلیسی (envelope) است. بنابر این، خروج تدریجی از لفاف، معنای دقیق واژه توسعه است (www.porsojoo.com/fa/node/5824).

توسعه، مقوله‌ای چند بعدی، کیفی و جامع می‌باشد (اسدپور، ۱۳۸۷) و منظور از آن، فرآیندی است که انسان‌ها با توجه به خواسته‌ها و نیازهایشان و امکاناتی که در جامعه و محیط زیست به صورت بالقوه و بالفعل موجود است، می‌خواهند تعادلی را بین اینها ایجاد کنند (سیف‌اللهی، ۱۳۹۰).

الف: فریدمن: «توسعه یک روند خلاق و نوآوری برای ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی می‌باشد».

ب: مایل تودارو: «توسعه جریانی است چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است».

ج: گونامیردال: «توسعه عبارت است از حرکت یک سیستم یک دست اجتماعی به سمت جلو به عبارت دیگر نه تنها روش تولید، توزیع محصولات و حجم تولید مدنظر است بلکه تغییرات در سطح زندگی، نهادهای جامعه، نظرها و سیاست‌ها نیز مورد توجه می‌باشد».

د: همچنین توسعه به بهینه سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع تعریف شده است.

همانطور که ملاحظه می‌شود، اکثر تعاریف ارائه شده برای «توسعه» بر اساس نیازهای مادی بشر در عرصه‌های مختلف زندگی شکل گرفته است.

## معنی اخلاق

اخلاق، جمع «خُلُق» و «خُلُق» است، واژه خُلُق، در لغت به معانی: خوی، سنجیه، طبیعت، خصلت، سرشت، نهاد، مزاج، طبع و سیرت. (زبیدی، تاج العروس، ج ۱۳، ص ۱۲۴. فیروزآبادی، ج ۳، ص ۳۱۰) به کار رفته است. واژه خُلُق با خَلَق هم ریشه است خَلَق، نمایانگر ساختار فیزیکی و صفات ظاهری انسان می‌باشد و خُلُق، بیانگر ساختار درونی او است و زیبایی‌ها و

زشتی‌های باطنی او را به نمایش می‌گذارد. (ابن منظور، ج ۷، ص ۸۶)

اخلاق در اصطلاح عبارت است از: صفات و هیأت‌های راسخ و پایدار در نفس که سبب می‌شود، افعال متناسب با آن‌ها به صورت آسان و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود. (طوسی، اخلاق ناصری، ص ۱۰۱-۱۰۲) این معنی، رایج‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی است.

### معنی معنویت

واژه معنویت مصدر جعلی معنوی است و واژه معنوی منسوب به معنی، کاربردهای مختلفی نظیر حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، باطنی، روحانی و به معنای مقابل لفظی، مقابل صوری و مادی به کار می‌رود. (دهخدا، ج ۵) در اصطلاح، برداشت‌های متفاوت از آن صورت گرفته است. با توجه به مطرح نشدن این واژه به معنای دقیق کلمه در منابع اولیه دینی، نظیر آیات و روایات و ارائه تعاریف مختلف از آن در دنیای غرب، تنها مراد از معنویت (در این تحقیق) برابر مادیت توجه به حقیقت و باطن انسان و جهان و در رأس همه، توجه به خداوند متعال و آموزه‌های معنوی و وحیانی است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تعریف مصداقی از آن بیان داشته اند: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است. (آقای خامنه‌ای، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷)

### ویژگی‌های شهروند جامعه اسلامی

مهم‌ترین ویژگی‌های یک شهروند مسلمان است.

#### ۱. احترام به حقوق مردم (حق الناس)

از منظر دین اسلام، اساس و بنیان زندگی اجتماعی، در احترام و گردن نهادن انسان‌ها به حقوق اجتماعی دیگران است که در زیر از باب نمونه به مصادیقی از آن اشاره می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ درباره رعایت حال همسایگان فرمود: (مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ) (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۱۳، ۱۴۱۳ق). هر کس همسایه‌اش را اذیت کند، خداوند بوی بهشت را بر وی

حرام می‌کند و (مَنْ ضَيَعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا) (همان) هر کس حق همسایه‌اش را ضایع کند، از ما نیست. سد و اشغال معابر عمومی شهرها که امروزه یکی از معضلات شهری است، از جمله مسائلی است که دین اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل به آن توجه داشته و آن را کاری ناپسند شمرده و پیروان خویش را از این کار نهی کرده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید: (إِيَّاكُمْ وَ الْجُلُوسَ عَلَى الطَّرِيقَاتِ) (سیوطی، ج ۵، ص ۴۱، ۱۴۰۴ق) از نشستن در راه‌ها پرهیزید. (البته این سخن از امام علی (علیه‌السلام) نیز نقل شده است. و (اعزل الاذی عن طریق المسلمین) (متقی هندی، ج ۱۵، ص ۷۶۸، ح ۴۳۰۱۲، ۱۴۰۹ق) اسباب آزار و اذیت را از راه مسلمانان دور سازید. بنابراین، شهروند مسلمان بر طبق آموزه‌های دینی، خود باعث ایجاد و بروز مشکلات و تضییع حقوق دیگران نمی‌شود، و به حقوق شهروندی پایبند است.

## ۲. احساس مسئولیت

طبق آموزه‌های اسلامی یک شهروند در جامعه‌ی اسلامی باید نسبت به آنچه در جامعه رخ می‌دهد، اعم از مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی بلایای طبیعی همچون حوادث غیر مترقبه احساس تکلیف کند و در حدّ توان و امکانات خویش در رفع این‌گونه مشکلات و کاستی‌ها کوشا باشد.

## ۳. رعایت اخلاق اسلامی

اخلاق نیکو و رفتار پسندیده با مردم از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیشرفت انسان در اجتماع است و حتی رواج آن در میان اقشار مختلف، در بسط و گسترش عدالت در جامعه مؤثر خواهد بود. کسب مکارم اخلاقی و رعایت شئون آن از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در قرآن کریم (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) (شمس، ۹) پس از سوگندهای متوالی، پاک شدن نفس انسان‌ها از رذایل اخلاقی، یعنی همان تهذیب نفس را شرط اصلی رستگاری انسان‌ها می‌داند. بدون رعایت مسائل اخلاقی، زندگی انسان‌ها سخت و خشک و بی‌روح می‌شود. می‌توان این‌گونه گفت که تنها با در نظر گرفتن فضایل اخلاقی، زندگی و رفتار بشر از سایر موجودات متمایز می‌شود و در مسیر رشد و تکامل روحی و معنوی قرار خواهد گرفت. در ادامه برخی



از فضایل اخلاقی و تأثیر آن‌ها در پیشرفت جامعه اسلامی را بررسی می‌کنیم.

### الف: عزت نفس

عزت نفس، حالت و وضعیتی در اخلاق و کردار فرد است که در صورت فرهنگ شدن و نهادینه شدن آن در رفتار افراد، سیر اخلاقی و عملی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقام معظم رهبری مدظله العالی اقتدار و عزت را از شاخصه‌های نظام نبوی برشمرده و می‌فرماید: انگیزه و موتور پیش برنده حقیقی در نظام نبوی، ایمانی است که از سرچشمه دل و فکر مردم می‌جوشد و دست و بازو و پا و وجود آن‌ها را در جهت صحیح به حرکت درمی‌آورد... جامعه و نظام نبوی، توسری خور، وابسته، دنباله‌رو و دست حاجت به سوی این و آن دراز کن نیست؛ عزیز و مقتدر و تصمیم‌گیر است. (آقای خامنه‌ای، ۲۸/۲/۱۳۸۰) براین اساس، این عامل از دو جنبه می‌تواند در سرنوشت جامعه اسلامی مؤثر بوده و به پیشرفت جامعه منتهی شود؛ یکی اینکه احساس بزرگواری و کرامتی که شخص در پرتو عزت نفس به دست می‌آورد، سبب اصلاح فرد و جامعه شده و به وی کمک می‌کند تا از روبه‌رو شدن با بسیاری از امور بی‌ارزش خودداری کند و دوم اینکه اگر فردی خود را ملزم به رعایت عزت نفس نماید و اظهار نیاز در برابر دیگران را بسیار محدود نماید، این مورد به کنترل چشم و هم‌چشمی و مصارف تجملی در جامعه منجر می‌شود و در نتیجه هرچه این احساس درونی در بین آحاد جامعه تقویت شود، مسیر پیشرفت جامعه نیز هموارتر می‌گردد.

### ب: مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی

گستره و قلمرو مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی براساس آموزه‌های اسلامی شامل مسئولیت انسان در برابر انجام تکالیف دینی، مطالبات و نیازهای نظام اسلامی و اجرای قوانین و مقررات و رعایت آداب و رسوم مورد تأیید اسلام است. رهبر فرزانه انقلاب در بیاناتی درخصوص ضرورت مسئولیت‌پذیری می‌فرماید: نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می‌شناسید؛ اشتغال، مبارزه با فساد مالی، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان‌شدن چرخه خدمت‌رسانی، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق،

مسئولیت پذیری و پاسخ گویی مسئولان حکومتی، در شمار برجسته ترین این نیازها است و این ها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق می سازد. (آقای خامنه ای، ۱۶ / ۳ / ۱۳۸۳) در جامعه اسلامی همه افراد جامعه باید حس مسئولیت پذیری را در خود تقویت نموده و در برابر مردم و حکومت اسلامی پاسخ گو باشند و از این طریق در جهت پیشرفت خود و جامعه با جدیت بکوشند.

### ج: عدل و انصاف

رعایت عدل و انصاف، زمینه بهره مندی افراد از مواهب مادی و معنوی و نیز رشد و شکوفایی جامعه را فراهم می سازد. کسی که منصفانه با دیگران رفتار می کند، از همکاری آنان برخوردار می شود و در صورتی که روح عدالت و انصاف در گرایش اخلاقی اکثریت افراد جامعه حاکم باشد، همدلی و تعاون در جامعه ایجاد می شود که موجب قوام زندگی اجتماعی است. مقام معظم رهبری (مدظله) در سخنانی، دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت معرفی می نمایند (آقای خامنه ای، ۳۰ / ۴ / ۱۳۹۲) یعنی برنامه ها و هدف ها در جمهوری اسلامی جوری تنظیم شود که منتهی به پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور شود؛ همچنین ایشان عدالت و پیشرفت را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته، (همان، ۱ / ۱ / ۱۳۸۷) و می فرمایند: بسیاری از ناکامی های امروز ما در عرصه رسیدن به هدف های انقلاب و اداره مطلوب کشور، به خاطر کم اعتنایی به عدالت است (۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱). اگر بی عدالتی، جو غالب جامعه باشد، اثرات مخربی بر پیشرفت جامعه دارد؛ زیرا اهتمام نیروی انسانی و انگیزه تلاش های وی را تحت شعاع قرار می دهد و نیز موجب تعمیق شکاف طبقاتی و تضعیف عزم ملی می شود.

### د: عفت و حیا

یکی دیگر از ویژگی های شهروند جامعه اسلامی، برخورداری از عفت و حیا است. عفت و حیا منحصر در مسائل جنسی نیست و دامنه وسیعی دارد که یکی از موارد آن حفظ عفت در اظهار فقر است، اینکه انسان در تنگنا قرار بگیرد، ولی خویشان داری کند؛ چنانکه خداوند می فرماید (يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَيْسَالُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا) (بقره، ۲۷۳)

از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه بی نیازشان می‌پندارند، اما آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند. عفت، سبب آرامش درونی انسان می‌شود و بدین طریق می‌تواند موجبات تقرب به خداوند را فراهم سازد و داشتن حیا نیز باعث می‌شود انسان همواره در نهان و آشکار، خود را در محضر خدا بیابد و این گونه خود را از ارتکاب محرمات حفظ کرده و نفس خویش را کنترل نماید. عفت اجتماعی، محیط زندگی مناسبی را برای تربیت درست قشرهای گوناگون جامعه فراهم می‌آورد و کمک می‌کند تا همگان در فضای سالم تربیتی به فعالیت پرداخته و بتوانند استعدادهای خود را ظهور و بروز دهند.

مقام معظم رهبری (مدظله) (طی سخنانی در این باره می‌فرمایند: برداشتن حجاب، مقدمه‌ای برای برداشتن عفت بود، برای برداشتن حیا در جامعه اسلامی بود، برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود، برای اینکه از همه کارهای دیگر بمانند (۱۳۸۶/۱۰/۱۹)

مقام معظم رهبری (مدظله) (همچنین عامل بسیاری از گرفتاری‌ها را دوری از معنویت و فضیلت، گسست خانواده و تزلزل پیوند فرزندان با والدین می‌دانند و آن را نتیجه رشد مادی بدون رشد معنوی معرفی می‌نمایند. اینک غرب در تلاش است تا راه به منزل نرسیده را فراروی جوامع اسلامی قرار دهد، راهی که با مطلق کردن علم و عقل و نفی دین و معنویت در طول چند قرن تجربه شد و چیزی جز پیامدهای منفی و خسارت بار بر جای نگذاشت. (رودگر، ۱۳۹۲، نشریه مطالعات معنوی، شماره ۱۰، ص ۵۹ - ۸۶) ایشان بر استحکام و تقویت بنیان خانواده تأکید کرده و می‌فرمایند: ما باید در کشورهای خود با فساد مبارزه‌ای جدی آغاز کنیم. باید بنیان خانواده را محکم و نخستین و اصلی‌ترین پرورشگاه آدمی را کانون صفا و معنویت کنیم. (آقای خامنه‌ای، ۲۱/۶/۱۳۶۶)

## توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی

موضوع اخلاق و معنویت و در منظومه فکری دینی اسلامی محوریت دارد لذا نمی‌توان معنویت و اخلاق را هم ردیف سایر ابعاد فکری قرار داد. بنابراین در هر نقطه که یک دستور

دینی وجود دارد، موضوع اخلاق آمیخته و روح حاکم بر آن است. یکی از شعارهای جهانی انقلاب اسلامی، معنویت است. معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی مانند اخلاص، ایمان، توکل و ... است یعنی اخلاق در بیانیه گام دوم فردی نیست و اخلاق اجتماعی و در گستره زندگی به شمار می‌رود. در این مسیر، اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت و ... است. امروز جامعه بشری به بحث اخلاق و معنویت به شدت نیازمند است، در این عصر ماشین، اینترنت و فضای مجازی و تبلیغات مادی گرایانه ابرقدرت‌ها همه بشریت نیازمند توسعه اخلاق و معنویت است و راه این توسعه هم رجوع به تعلیمات اسلامی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است. قرآن کریم می‌فرماید: "تمام جوامع بشری که خواهان رشد و بالندگی اخلاقی و معنوی است شایسته است که پیامبر اسلام را از نظر اخلاقی و معنوی الگوی خود قرار دهد. بنابراین در جامعه اسلامی اخلاق و معنویت بیشتر توسعه پیدا بکند تا جامعه اسلامی از فسادهای اخلاقی مصون بماند.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب درباره اهمیت معنویت و اخلاق می‌فرماید: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی، چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و

اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. (همان، بیابنه گام دوم ۱۳۹۷)

مهم‌ترین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی عبارت است از:

### ۱. خداباوری

اولین و مهم‌ترین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی خداباوری است که از نگاه قرآن کریم مهم‌ترین عاملی است که نقش تعیین‌کننده و کلیدی در تغییر و دگرگونی جامعه ایفا می‌کند و سایر عوامل نیز از او مایه می‌گیرند. در قرآن هرگاه بحث از تحول جوامع مطرح می‌شود، سخن از کفر، توحید، اعتقاد به خداوند و معاد به میان می‌آید و ایمان به خداوند و اعتقاد به روز جزا و شرایع آسمانی عامل پیشرفت و ترقی دانسته می‌شود و شرک به‌عنوان عامل اصلی سیر نزولی جوامع به سوی انحطاط، سقوط و علت نابودی آنان قلمداد می‌شود. قرآن کریم از راه‌های رسیدن به پیشرفت و فتح قله‌های سربلندی جامعه را داشتن ایمان دانسته و می‌فرماید: (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (آل عمران، ۱۳۹) و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید» «ایمان» واقعی، همان «خداباوری»، «خدامحوری» و «آخرت‌گرایی» است و عمده تلاش انبیای الهی این بوده است که انسان را به چنین ایمانی برسانند. چنانکه حضرت موسی علیه السلام هدف خود را از تعیین هارون به وزارت و معاونت، برپایی و ارتقای ایمان و خدامحوری جامعه می‌داند (اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي. وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي. كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا) (طه، ۳۱-۳۴) با او پشتم را محکم کن، و او را در کارم شریک ساز، تا تو را بسیار تسبیح گوئیم و تو را بسیار یاد کنیم»

اسلام به‌عنوان آیین الهی کامل و جهانی و جاودانی، اعتقاد به خداوند را از جنبه‌های مختلف بهترین ضمانت اجرای اخلاق می‌داند. از این‌رو، هرچه خداباوری در عمق وجود انسان رسوخ کرده باشد، اثر آنها بر گفتار و رفتار انسان و جامعه بیشتر خواهد بود و فرد و

جامعه در مسیر خدامحوری قرار می‌گیرند. به دیگر سخن، خداباوری، انسان را در میدان تلاش و مسابقات اجتماعی به سوی نیکی‌ها و انجام اعمال و رفتار پسندیده وارد می‌کند و به مرحله‌ای از رشد و تعالی معنوی می‌رساند که اگر بیشتر افراد جامعه چنین روند و مسیری الهی را داشته باشند، هرگز میل و اراده به سوی باطل و فساد پدید نمی‌آید و رستگار می‌شوند، چنانکه خداوند فرموده است: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ) (مؤمنون، ۱-۳) مؤمنان رستگار شدند، آنها که در نمازشان خشوع دارند، و آنها که از لغو و بیهودگی روی‌گردانند» انسان به‌عنوان بخشی از عالم هستی، تحت احاطه علمی خداوند قرار دارد و نه تنها اعمال و رفتار ظاهری او، بلکه افکار و اندیشه‌ها و خطورات قلبی آنچه را با خود حدیث نفس می‌کند، برای خداوند معلوم و مشهود است. این باور، انسان را ملزم می‌کند که اعمال و رفتار ظاهری خود را کنترل و درون خویش را نیز از هرگونه آلودگی و فکر و نیت ناپسند حفظ کند. از آنجا که اعمال و رفتارش در اجتماع ظهور افکار و اندیشه‌های او است، طبیعی است که با کنترل و هدایت افکار و اندیشه‌های انسان، رفتار اجتماعی او نیز اصلاح خواهد شد و ریشه انحراف و کج‌رفتاری منجر به رذایل و گناهان اجتماعی، مانند سرقت، دروغ، خیانت و تعدی به حقوق دیگران، از بین خواهد رفت. اما در مکاتب غیر دینی از این اعتقاد خبری نیست، چون آنها می‌خواهند با قانون مانع فساد اخلاقی شوند. در صورتی که در خلوت، کاری از قانون ساخته نیست و غالب جرم‌ها و خیانت‌ها در خفا واقع می‌شوند و آثارش در اجتماع بروز می‌کند. بنابراین، ایمان و باور به‌خداوند یکتا، اخلاق‌مداری را در زندگی اجتماعی گسترش می‌دهد. در مقابل، انکار خدا و یا ضعف خداباوری، موجب فاصله گرفتن از فضیلت‌های اخلاقی و ایجاد مشکلات و معضلات اجتماعی می‌شود.

## ۲. الهی بودن قوانین

دومین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی عبارت است از الهی بودن قوانین و سنن هر جامعه است. محور قانون در اسلام، همان مجموعه تعالیم قرآن و سنت

معصومان عليهم السلام است که همه ابعاد فردی و اجتماعی انسان را دربرمی‌گیرد. برای ورود به زندگی اجتماعی، کسی به انسان یاد نداده که باید پا به صحنه اجتماع بگذارد؛ زیرا انسان چه متمدن باشد یا متوحش، برابر محرک طبیعی اش اجتماعی است. انسان باید در حیات اجتماعی رشد کند و این امری ضروری و روشن است، اما آنچه نظر و اکتساب را می‌طلبد و اهمیت ویژه‌ای دارد، شیوه زندگی است. اینجاست که نیاز به قانون الهی حس می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹) از آیات قرآن کریم (فَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوُا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ<sup>ط</sup> وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ) (غافر، ۸۵) اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت! این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند!<sup>۱</sup> به خوبی استفاده می‌شود که منظور از «سنت» قوانین ثابت و اساسی «تکوینی» یا «تشریحی» الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد. خداوند در عالم تکوین و تشریح اصول و قوانینی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان دستخوش دگرگونی و تغییر نمی‌شود. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

قرآن کریم تصریح دارد که هدف از ذکر سنت، اصلاح و هدایت جامعه است:

پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت [و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند که شما نیز، همانند آن‌را دارید.] پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان [آیات خدا] چگونه بود؟ این بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران (آل عمران، ۱۳۷-۱۳۸).

بنابراین، از نگاه قرآن، الهی بودن قوانین از اختصاصات قانونمندی جامعه است. آدمیان، هنگامیکه ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی - که در قالب قوانین و سنن الهی جلوه میکنند - باشند، در پرتو این آداب و رسوم الهی، ساخته شده و مسیر سعادت خویش را بهتر می‌پیمایند، چنانکه ناهنجاری‌های جامعه اگر به صورت سنت‌های ناپسند درآیند، اجتماع را از هم پاشیده و آن‌را به ورطه هلاکت می‌افکنند.

### ۳. امر به معروف و نهی از منکر

سومین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است. دین اسلام، در کنار دیگر برنامه‌های سازنده اجتماعی خود، از پیروانش می‌خواهد که نسبت به آنچه از دیگران می‌بینند، بی‌تفاوت نباشند، بلکه آنها را به سوی خوبی‌ها فراخوانده، از بدی‌ها بازدارند. این دو وظیفه اساسی (دعوت مردم به خوبی‌ها و جلوگیری از بدی‌ها) «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد. از لسان آیات قرآن برمی‌آید که امر به معروف و نهی از منکر از عالی‌ترین و والاترین واجبات دینی است که سایر واجبات هم به سبب آن دو استوار و پایدار می‌گردد. در حقیقت، اگر این دستور دینی عملی شود، جامعه اسلامی به محیطی سازنده و مساعد تبدیل می‌شود که در آن بستر مطلوبی برای تربیت و اخلاق دینی فراهم می‌آید. در نقطه مقابل، کم‌توجهی و یا ترک آن، رفته رفته باعث می‌شود که جامعه از جهت تربیتی و اخلاقی، دارای رفتار و گفتار مناسب نباشد و شرایط و عوامل لازم برای تربیت و اخلاق دینی و پرورش استعدادهای نهفته افراد جامعه به طور هماهنگ فراهم نگردد.

قرآن کریم از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو وظیفه مهم امت اسلامی یاد میکند و می‌فرماید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به  
نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان  
رستگارانند.

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر، دو مرحله دارد: یکی مرحله فردی که هرکس باید به تنهایی وظیفه نظارتی و اخلاقی خود را انجام دهد و دیگری مرحله همگانی و دسته‌جمعی که در این حال، همه مردم موظفند برای پایان دادن به نابسامانی‌های اجتماعی دست‌به‌دست هم بدهند و با یکدیگر همکاری کنند. در نوع اول که جنبه فردی دارد، شعاع آن محدود به توانایی فرد است، اما در نوع دوم چون جنبه گروهی دارد و شعاع قدرت آن وسیع است، به‌طور طبیعی از شئون حکومت اسلامی نیز به‌شمار



می‌آید. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴) در آیه‌ای دیگر، انجام امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های مجاهدان راه خدا و یاریکنندگان دین او دانسته شده است:

الَّذِينَ إِن مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج، ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

از نگاه قرآن، امر به معروف و نهی از منکر دارای آثاری فردی و اجتماعی، مانند «قرارگرفتن در زمره صالحان»

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۱۱۴)

به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آنها از صالحانند.

«از زمره مؤمنان»

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (توبه، ۱۱۲)

توبه‌کنندگان، عبادت‌کاران، سپاسگویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!

«برخورداری جامعه اسلامی از حمایت و نصرت خدا»<sup>۲</sup> «برتری امت اسلامی»<sup>۳</sup> و «سبب خیر، خوبی و نیکی‌ها»<sup>۴</sup> است.

پس اسلام بی‌تفاوتی انسان در برخورد با اعمال دیگران را نمی‌پسندد و هرکس را به فراخور توانایی و نفوذ کلمه‌اش در ارتباط با آنچه مسئول می‌داند که از دیگران سر می‌زند. بنابراین هیچ‌کس نباید به این دلیل که خود به وظایفش عمل میکند، نسبت به کارها و سرنوشت دیگران بی‌تفاوت باشد. بی‌توجهی و اهانت به ارزش‌های الهی، حتی اگر از سوی تعداد کمی از مردم

صورت بگیرد، خواه ناخواه پس از مدتی در جامعه تأثیر می‌گذارد. ارتکاب گناه و انجام منکرات نیز اگر بخواهد به‌طور علنی در سطح اجتماع شیوع پیدا کند، به زیان همه مردم خواهد بود و زیان آنها دیر یا زود، دامن‌گیر همه افراد خواهد شد. در اینجا وظیفه اخلاق اسلامی و انسانی همگان ایجاب میکند که با برپاداشتن امر به معروف و نهی از منکر، محیطی پاک و سالم به‌وجود آورند که در آن، تمایلات ناصواب و هوس‌های آلوده شیطانی، زمینه بروز و ظهور پیدا نکند و افرادی که به‌طور عادی سرگرم تحصیل و کار هستند، ناخواسته در معرض گناه و لغزش قرار نگیرند.

#### ۴. رفتار حاکمان و کارگزاران جامعه

چهارمین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی رفتار و روابط طبقه حاکمان و کارگزاران با مردم است. کارگزاران هر جامعه‌ای در نهادینه کردن و زمینه‌سازی حقایق و احکام اخلاقی اثرهای شگرفی دارند، همچنان‌که می‌توانند سرچشمه پدید آمدن فرومایگی‌های اخلاقی فراوانی در جامعه باشند. در اینجا برای نمونه، به مهم‌ترین مصادیق اخلاقی اشاره می‌شود که بیانگر چگونگی رفتار طبقه کارگزاران جامعه با مردم است:

#### الف: اجتناب از استبداد و خودکامگی

قرآن مشورت با مردم و پرهیز از استبداد و خودکامگی در امور حکومتی را از شرایط حاکمان الهی می‌داند. به‌گونه‌ای که در صورت فقدان نه تنها حاکم از مشروعیت دینی می‌افتد، بلکه از مشروعیت سیاسی و مقبولیت عمومی بیرون رفته و حکومت و وظایف وی دچار بحران مشروعیت مطلق می‌گردد. از این‌رو، به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یادآور می‌شود که علت مقبولیت عمومی به‌سوی وی و پذیرش حکومت و حاکمیت وی، روش حکومتی آن‌حضرت است که بر پایه مشورت، هم‌رایی و همدلی با مردم نهاده شده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ  
فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران، ۱۵۹) به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان

(مردم) نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، [قاطع باش! و] بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

### ب: مهرورزی و گذشت

دومین مصادیق اخلاقی که بیانگر چگونگی رفتار طبقه کارگزاران جامعه با شهروندان جامعه اسلامی است از مهرورزی و گذشت می‌باشد. در آیه بالا مصداق دیگری از رفتار حاکمان و کارگزاران جامعه اسلامی با شهروندان بیان شده است. اگرچه در آن آیه سلسله دستورهای کلی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده و از نظر محتوا مشتمل بر برنامه‌های کلی و اصولی است، اما از نظر نزول درباره حادثه «احد» است. (طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا) التبیان فی تفسیر القرآن) بعد از مراجعت مسلمانان از احد کسانی که از جنگ فرار کرده بودند، اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته و ضمن اظهار ندامت تقاضای عفو و بخشش کردند. از این رو، خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور عفو عمومی آنها را صادر کرد و پیامبر رحمت با آغوش باز خطاکاران توبه‌کار را پذیرفت و در پرتو رحمت و لطف پروردگار با مردم مهربان شد در حالی که اگر خشن و سنگدل بود مردم از اطراف آن حضرت پراکنده می‌شدند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه) روشن است که حادثه احد، از موارد روشن عفو و انعطاف بود و اگر پیامبر خدا ﷺ رفتاری غیر از این انجام می‌داد زمینه برای پراکندگی مردم صددرصد فراهم بود.

بنابراین، در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، از صفات مهم و لازم حاکم جامعه بیان شده و آن موضوع گذشت و نرمش و انعطاف در برابر کسانی است که تخلفی از آنها سرزده و بعد پشیمان شده‌اند، بدیهی است شخصی که در مقام رهبری جامعه قرار گرفته اگر تندخو و انعطاف‌ناپذیر و فاقد روح گذشت باشد، در برنامه‌های خود با شکست مواجه خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می‌شوند و از وظیفه رهبری بازمی‌ماند.

### ج: احسان و نیکی به مردم

سومین مصادیق اخلاقی که بیانگر چگونگی رفتار طبقه کارگزاران جامعه با مردم احسان و نیکی با مردم است احسان به عبارتی رساندن نفع نیکو به دیگران و «محسن» کسی است که به دیگران سود زیبا می‌رساند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن) ذات مقدس پروردگار به بندگانی که کاری خدایی انجام دهند، عنایت ویژه دارد و می‌فرماید: «نیکی کنید به تحقیق که خدا نیکوکاران را دوست دارد»<sup>۵</sup> و برای امیدواری و تشویق بیشتر محسنان می‌فرماید: «همانا خدا با نیکوکاران است» (عنکبوت، ۶۹) در آیات دیگری نیز قرآن مجید با تعابیر گوناگونی به اهمیت و ارزش احسان تصریح کرده است و این نشانگر آن است که احسان در دیدگاه اسلام به‌عنوان اصلی اخلاقی و اجتماعی مطرح است و جامعه بشری برای تکامل و شکوفایی خویش در دیگر فضایل اخلاقی بدان نیازمند است و مدینه فاضله اسلامی هرگز از احسان و محسنان تهی نیست. از این‌رو، در آموزه‌های قرآنی موضوع احسان به‌عنوان ویژگی حاکم و سرپرست جامعه اسلامی مطرح می‌شود که امری فراتر از عدالت است، یعنی اگر در آیات قرآن از لزوم عدالت‌پیشگی حاکمان و اجتناب از هواپرستی ایشان سخن رفته است و در صورت فقدان عدالت، ایشان از مشروعیت دینی ساقط می‌شوند، از احسان که مرتبه فراتر از عدالت است نیز سخن به میان آمده است. مدیران و کارگزاران می‌بایست احسان را اصل اساسی در عملکردشان قرار دهند و پایه‌های حکومتی می‌بایست افزون بر عدالت بر پایه احسان و نیکی به امت و شهروندان باشد. قرآن درباره ویژگی‌های حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام که به حکومت و حاکمیت مصر دست یافت از احسان وی، بلکه از اینکه در جرگه نیکوکاران قرار داشته سخن به میان می‌آورد (یوسف، ۵۶) و نیز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سر فضیلت اخلاقی احسان، به مردم حادّثه احد مهر ورزید و در حق ایشان عفو و گذشت را سرلوحه برخورد خود قرار داد.

### د: امانتداری

چهارمین مصادیق اخلاقی که بیانگر چگونگی رفتار طبقه کارگزاران جامعه با مردم امانتداری است امانتداری از نظر عقل و منطق، کاری ارزشمند و لازمه حیات اجتماعی است که فطرت

پاک انسان‌ها پایبندی به آنرا طالب و از خیانت در امانت، سخت منزجر است. در فرهنگ اسلام نیز «امانتداری» جزو اصول و بسترهای اخلاق اجتماعی شمرده شده و شرطی بنیادین است. همان طور که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «امانتداری در رأس دستورات اسلام است» (لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ) قرآن مجید درباره اهمیت و ضرورت امانتداری در حیات اجتماعی می‌فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (بقره، ۲۸۳) و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و) بدهی خود را بموقع بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندر زهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (نساء، ۵۸)

خداوند از عموم مردم و مسلمانان می‌خواهد که امین باشند و در امانت، خیانت نورزند و آنرا هرچه باشد، به صاحبش برگردانند. مدیر و سرپرست جامعه اسلامی هم به‌عنوان یک مسلمان باید امانتدار باشد که بدون احراز آن نمی‌تواند به‌عنوان مدیر و کارگزار مشروع بر مردم حکومت کند و یا وظیفه‌ای را برعهده بگیرد؛ چرا که حکومت نیز امانتی است که در اختیار شخص و یا اشخاصی قرار می‌گیرد و او به‌عنوان امین از سوی خدا و مردم در چارچوب قوانین

و اصول عدالت و احسان می‌بایست امانت را حفظ کند.

## ۵. عدالت گستری و اجتناب از ظلم

پنجمین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی عدالت گستری و اجتناب از ظلم است. (عدالت) از ریشه «عدل»، به معنای «برابری» (ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة) «حد متوسط بین افراط و تفریط به گونه‌ای که زیادی و کمی در آن نیست، یعنی اعتدال و قسط حقیقی» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم) آمده است. همچنین به بیان امام علی علیه السلام: «عدل، قرارگرفتن هر چیز در جای خود است» (سیدرضی، نهج البلاغه) پس تجاوز، افراط و تفریط از حالت طبیعی عدالت را از میان می‌برد. جامعه اسلامی بر مبنای توحید و عدالت استوار است و شکوفایی آن و مدار پایبندی افراد به این دو اصل اعتقادی و عملی است، به همین جهت مسلمانان موظف‌اند که همه نیات و اعمال خود را بر مبنای توحید منطبق ساخته و عدالت را در همه شئون فردی و اجتماعی در رفتار با همه انسان‌های دارای عقاید و مذاهب گوناگون اعمال کنند (جوادی آملی، جامعه در قرآن)

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه: ۸) خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

قرآن کریم پس از سخن از وظایف اجتماعی مال و علم و نقش آن دو در اصلاح یا افساد جامعه و پس از آنکه محقق ساخت که مال و علم وقتی دارای ارزش واقعی هستند که دارای هدف دینی و خدایی باشند و به شکل دو وسیله در خدمت جامعه در آیند، در آیه‌ای دیگر، به بیان وظایف ارباب قدرت حاکمه می‌پردازد و فرمان می‌دهد که ارزش این قدرت ارزشی ذاتی نیست، بلکه قدرت باید وسیله تحقق عدالت باشد (مدرسی، ۱۳۷۷)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء، ۵۸)

خداوند به شما فرمان می‌دهد ... هنگامی که میان مردم داوری میکنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد.

بنابراین، گسترش عدالت، ضمن ارتقای سطح اخلاق، دین را نیز در جامعه می‌گستراند و زمینه را برای اجرای حدود و احکام الهی و دوری از گناهان را مهیا میکند، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خدای سبحان عدالت را سبب استحکام بنیان‌های جامعه و پیرایش از ستم‌ها، گناهان، مجد و عظمت اسلام قرار داده است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰). مفاهیم «عدالت» و «اجتناب از ظلم» متناظر به یکدیگر هستند؛ زیرا ظلم ضد عدالت است. ظلم نیز تجاوز و تعدی و قرارگرفتن چیزی در غیر از جایی که مخصوص به اوست و گرایش به سوی افراط و تفریط است پس اجتناب و دوری از ظلم و ستم چیزی جز اصرار بر عدالت نیست. از این رو، هنگامی که از شرط اجتناب از ظلم و ستم سخن گفته می‌شود به معنای پافشاری بر امری است که از آن به عدالت یاد شده است. بنابراین، هرگونه رفتاری که خروج از حالت طبیعی و گرایش به تجاوز، افراط و تفریط باشد، می‌تواند عاملی مهم برای از دست رفتن شرط عدالت باشد. در اسلام ظلم و تعدی به حقوق هر صاحب حقی حتی به حیوانات به هیچ وجه مجاز نیست، بنابراین، دشمنی، خصومت، کینه‌ورزی و بی‌دینی نمی‌توانند توجیه‌گر ظلم و نابرابری باشند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۖ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ  
(مائده، ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است! و از [معصیت] خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است.

اجتناب از ظلم، علاوه بر اینکه از ویژگی‌های افراد جامعه هست، از شرایط حاکمان نیز به حساب می‌آید. چنانکه قرآن در گوشه‌ای از داستان حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۗ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ

الْمُحْسِنِينَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لظَالِمُونَ  
(یوسف، ۷۸-۷۹) گفتند: ای عزیز! او را پدری سالخورده و بزرگوار است،  
پس یکی از ما را به جای او بازداشت کن، بی تردید ما تو را از نیکوکاران  
می بینیم. گفت: پناه بر خدا از اینکه بازداشت کنیم مگر کسی که متاع خود  
را نزد وی یافته‌ایم که اگر غیر او را بازداشت کنیم در این صورت ستمکار  
خواهیم بود.

یوسف علیه السلام حتی در زمان اقتدارش، نیکوکاری در رفتار و منش او نمایان بود و ظلم و ستم  
نکرد.

## ۶. رعایت حقوق دیگران

ششمین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی رعایت حقوق دیگران است.  
از اصول و بسترهای اخلاق این است که افراد جامعه حقوق یکدیگر را رعایت کنند. هیچ  
خردمندی در لزوم رعایت حقوق دیگران، تردید نمی‌کند و بی شک، رعایت حقوق مردم در همه  
زمینه‌ها و به شکل عام و فراگیر از اصول شریعت اسلامی است و تکمیل کننده و توسعه دهنده  
اجتناب از ظلم و ستم است.

قرآن با نگاه دیگری به رعایت حقوق دیگران سفارش می‌کند.

وَإِتْلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ  
أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۗ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۗ وَمَنْ  
كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفَىٰ  
بِاللَّهِ حَسِيبًا (نساء، ۶) و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در  
آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند،  
اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی نیاز است، (از برداشت  
حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و  
مطابق زحمتی که می‌کشد)، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها  
بازمی‌گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است.



قرآن به بینش و نگرش انسانی بهایی ویژه می‌بخشد و بر این باور است که گرایش و کنش و واکنش‌های انسانی را بینش و نگرش او ساماندهی و سازمان دهی میکند. بنابراین، به این موضوع توجه می‌کند که همه انسان‌ها به‌عنوان آفریده‌های خداوندی از حقوق ویژه و خاصی برخوردارند و کسی نباید به آن تجاوز و تعدی کند. این‌گونه است که اعتقاد به خداوند و هدفمندی و موضوع حسابرسی در آخرت و معاد را به‌عنوان عوامل اثرگذار در تغییر رفتار انسان‌ها بر می‌شمارد و بیان می‌دارد که مهم‌ترین پشتوانه برای رعایت حقوق انسان‌ها از سوی همگان پذیرش و اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند است. همین عامل انگیزه می‌شود تا انسان به تقوا گرایش یابد و تقوا نیز به‌عنوان عامل بازدارنده و انگیزه قوی در برخورد با دیگران مطرح می‌شود و رعایت حقوق دیگران را در شخص تقویت میکند.<sup>۶</sup> هنگامیکه شخصی به این مقام برسد که همگان را مانند خود دارای شخصیت و کرامت بداند حتی نسبت به دشمنان خود نیز به نوع دیگری رفتار میکند و حقوق آنان را نیز مراعات کرده و در حق ایشان هیچ‌گونه کوتاهی به‌جانمی‌آورد.<sup>۷</sup> در مورد کسانی که به این اندازه نرسیده‌اند، خداوند از روش اندازی بهره می‌برد و تهدید نسبت به متعرضین به حقوق انسان در جامعه به آنان کیفر تجاوز و تعدی را یادآور می‌شود تا به این روش از تجاوز و تعدی دست بردارند. (نساء، ۹) همچنین قرآن کریم، انحصارطلبی و نداشتن احساس وظیفه را عاملی برای تضييع و منع حقوق دیگران می‌داند و می‌فرماید:

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا<sup>۸</sup> ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران، ۷۵) و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده [و بر آنها مسلط] باشی! این به‌علت آن است که می‌گویند: «ما در برابر امیین [غیر یهود]، مسؤل نیستیم. و بر خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند [این سخن دروغ است].»

آیه فوق چهره بدی از اهل کتاب را مشخص میکند؛ زیرا جمعی از یهود عقیده داشتند که

عده‌دار حفظ امانت‌های دیگران نیستند، حتی حق دارند امانات آنها را تملک کنند. منطق آنها این بود که می‌گفتند ما اهل کتابیم و پیامبر الهی و کتاب آسمانی او در میان ما بوده است، بنابراین، اموال دیگران برای ما احترامی ندارد و خود را موظف به پرداخت حقوق دیگران نمی‌دانستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

## ۷. صبر و استقامت

هفتمین بسترهای توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی صبر و استقامت است. درنگ و آگاهی، مقاومت همراه با چاره‌جویی و پیدا کردن راه‌کارها برای مقابله با ناملايمات و علاج فقر اقتصادی و درمان فرهنگی، جامعه را به سمت صعود می‌برد. جامعه با صبر و استقامت می‌تواند گام‌های بلندی در پیشبرد اهداف خود بردارد:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ  
يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ (انفال، ۶۵) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ [با دشمن] تشویق کن! هر  
گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه میکنند و اگر  
صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند چراکه  
آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند

در بسیاری از موارد، خیر و سعادت جامعه در جنبه‌های مختلف، از راه صبر و پرهیز از  
شتابزدگی حاصل می‌شود

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
(حجرات، ۵) اگر آنها صبر میکردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود»  
(وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (نساء، ۲۵) و صبر کردن برای شما بهتر  
است.

جامعه‌ای که افراد آن اهل صبر و تقوا باشند، خداوند برای رشد و تعالی اخلاقیات و  
پیشرفت و شکوفایی مادی و معنوی به آنان مدد می‌رساند:

بَلَىٰ ۚ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ

مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران، ۱۲۵) چرا اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید و آنها به همین فوریت و جوش و خروش به شما روی آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار از فرشتگان نشاندار یاری میکند.

## موانع توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی

موانع توسعه اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی دارای انواع گوناگون بینشی، گرایشی، رفتاری و... است که دانستن آنها برای تصمیم به رفع آنها در جهت آراستن به زیبای یهای اخلاق و معنویت ضروری به نظر می‌رسد.

### ۱. موانع بینشی

اندیشه در انسانی که به عنوان موجودی اندیشه ورز، شناخته می‌شود از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. اهمیت اندیشیدن در انسان تا اندازه ای است که برخی اندیشیدن را اساسی ترین ویژگی انسان دانسته اند که او را از دیگر حیوانات جدا می‌سازد. تفکر و اندیشیدن به معنای سیر در میان دانسته های انسان برای کشف ندانسته های اوست. (رازی، ص ۲۴۲) مکتب اخلاقی و نظام معنوی اسلام از نظر فکری، فهمی که از هدف انسان و روابط او با دیگران، به ویژه با خداوند متعال ارائه می‌کند، عبارت است از اینکه انسان با رفتار و صفات اخلاقی و معنوی خود باید خود را به مقام قرب الهی برساند و با جلب رضای او، به اخلاق الهی تخلق یابد: منابع دینی از جمله آیات و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت دارند.<sup>۸</sup> اما از مجموع آنها برمی‌آید که شاخص رسیدن به فضایل اخلاقی و دستیابی به معنویت اسلامی دستیابی به توحید خالص در ابعاد مختلف آن است؛ یعنی یک انسان اخلاق مدار و معنوی از نظر فکری خدا را برترین حقیقت<sup>۹</sup> و براساس مفهوم الله اکبر، برترین شعار اسلامی، خداوند را برتر از وصف م‌یداند. از نظر گرایشی خدا را دوست داشتنی ترین محبوب<sup>۱۰</sup> و از نظر رفتاری خدا را شایسته ترین مقصد و هدف رفتار و منش خود قرار می‌دهد<sup>۱۱</sup> به هر مقدار این فکر و رجحان توحیدی با مانع مواجه شود و آسیب ببیند، به همان مقدار انسان از اخلاق و معنویت دور خواهد شد. هر نوع تلاش برای رشد و گسترش اخلاق و معنویت، باید با تثبیت

بینش توحیدی و گرایش الهی همراه باشد. اساس تبلیغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عصر سفاقت و جهالت جمله (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) بود و به فرموده رهبر معظم انقلاب، باید کاری کرد تا دیگر انسان غیر خدا را عبودیت نکند، در مقابل غیر خدا، پیشانی بندگی به زمین نساید، از قید و بندهای عبودی تساز نظیر: عبودیت نظام های اجتماعی غلط، آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، اشخاص و قدرت های استبدادی، هواهای نفسانی، عبودیت پول، زر و زور و ... آزاد شود. با کنار زدن همه این عبودیت ها فلاح و رستگاری حقیقی فلاح دنیا و آخرت حاصل خواهد شد (خامنه ای، ۱۰ / ۱۰ / ۱۳) هر جا توحید خالص نباشد، در اثر شرک<sup>۱۲</sup> یا کفر و نفاق<sup>۱۳</sup> و یا ریا و تظاهر به مردم<sup>۱۴</sup> و یا ارتداد<sup>۱۵</sup>، یا تکذیب آیات الهی و تکذیب آخرت<sup>۱۶</sup> هیچ یک از زحمات انسان به ثمر نمی نشیند و بلکه تمام داشته های انسان حبط و نابود خواهد شد<sup>۱۷</sup>. از نظر دینی، زنده بودن یک جامعه به زنده بودن اخلاق و معنویت آن بوده و اوج و شکوه بدون اخلاق و معنویت حاصل نخواهد شد. این نعمت های بزرگ با سطحی نگری و ساده انگاری به دست نخواهد آمد بلکه برای رشد اخلاقی و معنوی باید نگاه عالمانه و محققانه داشت.

## ۲. موانع گرایشی

با توجه به ضرورت بینش صحیح نسبت به تحقق و رشد اخلاق و معنویت، اهمیت و ضرورت رجحان صحیح یا میل و رغبت درست انسان به چیزی مادی و معنوی برای تحقق هدف اخلاق و معنویت نیز روشن می شود؛ زیرا انسان از نظر رجحانی هر کجا میل و دلبستگی های غیر خدایی برایش اولویت یابد، ولو آنها نزدیک ترین افراد و اشیاء به انسان نظیر پدر و مادر، فرزندان، همسر، قوم و عشیره، مال و اموال، شغل و کار، خانه و مسکن و ... باشند، هرگاه آنها بیش از خدا، رسول و جهاد در راه او کشش و محبوبیت بیابند، به همان مقدار کشش و گرایش مانع پیشرفت انسان در امر اخلاق و معنویت خواهد شد<sup>۱۸</sup> در مقام تعارض و تزاحم بین فضایل اخلاقی و محبت به این امور، اولویت دادن به امور یادشده، انسان را از فضایل و مکارم اخلاقی محروم خواهد ساخت. دنیا طلبی و مادی گرایی جلوی تحقق و رشد اخلاق و معنویت را می گیرد. رهبر انقلاب نیز با شمارش برخی از ضعف ها و خطرهای پیش رو، از

گرایش به دنیاطلبی و مادی‌گرایی به عنوان یک ضعف و خطر یاد کرده است که وقتی گریبان بعضی از مسئولان را می‌گیرد، برای آنها ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری از قبح می‌افتد. میل به اشراف‌یگری، تجمل، جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسان‌ها هست. وقتی مسئولین خود را رها کرده، به این ضعف‌ها دچار شوند، این به مردم سرریز شده و در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود. (خامنه‌ای ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

یکی از مواردی که ممکن است مانع انگیزشی برای اخلاق و معنویت ایجاد کند، بروز غفلت از اهمیت امور مهم و تمرکز روی کارهای غیر مهم است. انسان‌ها بر اثر غفلت از خدای متعال که روح هستی و حقیقت هستی است از خودشان، دلشان و از حقیقتشان غافل می‌شوند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۹) رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه به عنوان گلایه مطرح کرده‌اند: یکی از ضعف‌های ما این است که به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده ایم... ما در علم و در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه نفس هم پیشرفت می‌کردیم... اما از تزکیه اخلاقی و نفسی غفلت کردیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۹). نتیجه آن در فرمایش دیگر ایشان مطرح شده است: بشر، وقتی از معنویت غافل شد، همه درهای اصلاح و صلاح به روی او بسته خواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۹/۹) یکی از موانع انگیزشی اخلاق و معنویت اسلامی، انحراف انگیزه و نیت در رفتارهای اخلاقی و معنوی است، بدین معنا که در اخلاق و معنویت مورد نظر اسلام، نیت و غیرخدا در کار نیست و همه کارها برای خدا و در راه خدا انجام می‌شود. برای مثال، دانه پاشیدن برای پرندگان با هدف شکار آنها و رهانیدن بره از چنگال گرگ برای کباب شبانه کار اخلاقی و معنوی محسوب نمی‌شود. کار اخلاقی از نیت‌ها و خودخواهی‌ها به دور است و انجام دادن آنها تنها به فرمان خدا، لوجه الله<sup>۱۹</sup>، فی سبیل الله<sup>۲۰</sup> و ابتغاء مرضات الله<sup>۲۱</sup> صورت می‌گیرد.

### ۳. موانع رفتاری

همان‌گونه که رفتار نیک موجب تحقق اخلاق و معنویت می‌شود، متقابلاً رفتار و کنش زشت نیز مانع تحقق آنها و یا موجب آسیب به آنها می‌شود. در تحقق رفتاری که مانع تحقق اخلاق

و معنویت است، شاید عوامل گوناگون دخالت داشته باشند. در یک تقسیم بندی کلی عمده عوامل یا درونی و یا بیرونی هستند. منظور از موانع رفتاری درونی آن است که برخی از رفتارهای انسان بدون دخالت عمده عامل بیرونی توسط خود انسان صورت می گیرد و انجام آن، مانع تحقق و رشد اخلاق و معنویت در نهاد انسان می شود. گناه و معصیت یکی از موانع تحقق فضایل اخلاقی و معنوی هستند که مفسد ذاتی و درونی آنها سنخیتی با اخلاق و معنویت نداشته، جلوی آن را سد می کنند و یا به آن آسیب می زنند. رهبر معظم انقلاب، با اشاره به برخی از این موانع کنشی، دوری از آنها را مظهر معنویت مورد نظر حضرت امام علیه السلام دانسته و تأکید کرده اند: دوری از گناه، تهمت، غیبت، سوءظن، بددلی، غرور و این گونه مسائل، مظهر معنوی است که امام به آن پایبند بود و مردم و مسئولان را به آنها دعوت می کرد. (خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۹).

بی اعتنایی نسبت به گسترش فساد، به ویژه فساد مالی و اقتصادی یکی دیگر از موانع رشد اخلاق و معنویت برای فرد و جامعه است. چنانکه در بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از کشاورزان تصریح شده است:

فساد در ارکان هر جامعه ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد می کند. فساد اقتصادی انواع و اقسامی دارد. برخی از آنها در بیان مقام معظم رهبری چنین آمده است: «فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره ای حق به جانب، به جان بیت المال افتاده، کیسه های خود را پُر کنند. یکی از ضررهای آن رایج شدن گناه با رایج شدن پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان است. فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی، جنسی، شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. (خامنه‌ای، ۱۹/۱۰/۱۳۸۰)

منظور از موانع کنشی با عامل بیرونی این است که برخی از رفتارهای انسان، بیشتر از عامل بیرونی متأثر می شود و با انجام دادن آنها جلوی تحقق و رشد اخلاق و معنویت گرفته می شود؛ البته این به معنای نفی کلی تأثیر خود انسان نیست، ولی عوامل بیرونی نقش برجسته تر را ایفا می کنند.

در نظام آموزشی باید به اخلاق و معنویت که نیاز اصلی و حقیقی آدمی است، بیش از هر

چیز مورد توجه باشد. در نظام تربیتی نیز گاه اخلاق و معنویت در کانون توجه قرار نگرفته، بیشتر به توسعه علم و آموختن چند اصطلاح و گذراندن چند واحد درسی و یا برگزاری چند مراسم و جلس‌های تربیتی اکتفا می‌شود. این نگاه نه تنها به رشد اخلاق و معنویت نمی‌انجامد، بلکه مانع تحقق و رشد آن خواهد شد.

تصمیم و کنش زمامداران و حاکمان هما‌گونه که در پیشبرد و تقویت شعور معنوی و وجدان اخلاقی جامعه بسیار مؤثر است و به تصریح رهبر معظم انقلاب در متن بیانیه، (این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نمی‌یابد) (خامنه‌ای، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷) به همان اندازه و بیش از آن در تخریب اخلاق و معنویت جامعه نیز مؤثر است؛ زیرا رفتار حاکمان به شدت بر مردم تأثیرگذار بوده، به ضرب المثل مشهور تبدیل شده است که (الناس علی دین ملوکهم) (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷) در منابع دینی نیز روی این مسئله حساسیت فراوان نشان داده شده است، از جمله اینکه امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر چنین دستور می‌دهد:

پس از دقت در امور کارگزاران حکومت و به کار گرفتن آنها پس از آزمایش، به کارهایشان رسیدگی کن و جاسوسانی از اهل راستی و وفا بر آنان بگمار... اگر یکی از آنان دست به خیانت دراز کرد و مأموران مخفی تو به اتفاق خیانتش را گزارش کردند، به همین گزارش اکتفا کن و او را به جرم خیانت کیفر بدنی بده و وی را به اندازه عمل ناپسندش عقوبت کن و سپس او را به مرحله ذلت و خواری بنشان و داغ خیانت بر او بگذار و گردن‌بند عار و بد نامی را به گردنش بینداز (شریف الرضی، ۴۳۶، ۴۳۵)

یعنی او را به مردم معرفی کن و آبرویش را بریز تا مایه عبرت دیگران شود. اشراف‌گری نیز در بیانات مختلف مقام معظم رهبری نیز به عنوان مانع رشد عدالت و فضایل دیگر یاد شده است: از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسئولان بالای کشور است. اشرافی‌گری هرچند با در آمد حلال باشد، دو عیب دارد: یکی، اشراف و دیگری،

فرهنگ سازی برای مسابقه دادن همه (خامنه‌ای ۵ / ۶ / ۱۳۸۰) به همین دلیل، برای جلوگیری

از پیدایش این مانع بزرگ، در جمع اقشار مختلف مردم تأکید فرموده اند:

جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود؛ اشراف یگری بلای کشور است. وقتی در قلّه های جامعه به وجود آمد، به بدنه سرریز خواهد شد. رفتار، گفتار و تعالیم مسئولین باید ضدّ جهت اشرافی گری باشد؛ کمالینکه اسلام این جوری است. اگر مسئله اشرافی گری رایج و جزو سبک زندگی ما شود، آثار و تبعات آن و ریزش هایی که به وجود می آید، دیگرانتهایی نداشته، کار را خیلی مشکل خواهد کرد. (آقای خامنه ای ۱/۵/۱۳۹۵)

رفتارهایی که مانع تحقق بسیاری از فضایل اخلاقی و معنوی می شوند، عبارت اند از: شرک، نفاق، ریا، کفر، ظلم، خیانت، دروغ گوئی، سخنجینی، دزدی، سوءظن، تفاخر، غیبت، شهوت رانی، عیب جویی، تکبر، اسراف، بخل، کج خلقی، تهمت، تعصب و لجاجت، حرام خواری، حسد، حرص و طمع، عاق والدین، قطع رحم، خشم و غضب، کفران نعمت، کم فروشی، تمسخر دیگران، زنا، لواط، استمنا و... با توجه به فراوانی موانع رفع آنها و آراستن به فضایل مقابل آنها کاری بسیار سخت و دشوار است که گاه در برخی از معارف دینی تحقق آن شبه اعجاز دانسته شده است: برگرداندن معتاد از عادتش شبیه اعجاز است. (مجلسی، ج ۳۷۴، ص ۷۵، ۱۴۰۳).

اندیشه دینی ضمن اذعان به ممکن بودن آن، از آن به جهاد با نفس یا جهاد اکبر تعبیر کرده است. (کلینی، ج ۱۲، ص ۱۴۰۷، ۵) که خود گویای نیاز شدید آن به جهاد، تلاش و صرف نیروی فراوان است و به همین دلیل، در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز برای تحقق بسیاری از این فضایل به لزوم جهاد و تلاش، مدیریت جهادی و عمل جهادی اشاره شده و بیش از بیست بار واژه (جهاد) به کار رفته است.

## نتیجه

انسان مرکب از دو بُعد جسم و جان است و بعد جان و روح، جوهره و حقیقت انسان را تشکیل می دهد، دو فضیلت متعالی اخلاق و معنویت با تأمین نیازهای روحانی آدمی، در حقیقت هستی و حقیقت انسان را تحقق می بخشند. هیچ کس حتی مکاتب فکری مادی و پیروانشان



که از جهان، جامعه و بشر تفسیر مادی و ظاهری ارائه می دهند، نیز احساس نیاز جامعه به اخلاق و معنویت را انکار نمی کنند. در متن بیانیه گام دوم از میان هفت توصیه، از نظر ترتیب، توصیه به اخلاق و معنویت جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است. در این بیانیه از اخلاق و معنویت به مثابه موتور محرکه انقلاب و چرخ دنده حرکت از وضع موجود به سمت آرمان‌ها یاد شده است. پرورش استعدادهای آدمی و افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، در گرو تحقق مکارم اخلاق و فضایل معنوی ناشی از مبانی دینی است. یکی از شرایط تحقق آن، برطرف کردن موانع و آسیب‌های تهدیدکننده آن است. در این پژوهش، به جنبه‌های ایجابی تحقق اخلاق و معنویت، و تبیین برخی موانع و آسیب‌ها پرداخته شده است.

با نگاهی دقیق به بیانیه گام دوم انقلاب، معلوم می شود که اخلاق و معنویت روح حاکم بر سایر توصیه‌ها بوده، همه امور، حول محور اخلاق و معنویت می چرخند؛ چنانکه در تعبیری جامع اهمیت و جایگاه اخلاق به اکسیژن و هوایی لطیف تشبیه شده است که اگر در جامعه بشری وجود داشته باشد، انسان‌ها می توانند با تنفس آن، زندگی سالمی داشته باشند، [در حالی که] با نبود اخلاق و حاکمیت بی اخلاقی، حرص‌ها، هوای نفسها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر و [در یک کلام]، با وجود این رذائل اخلاقی، زندگی سخت، فضا تنگ و قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد.

نتایج پژوهش نشان می دهد که بر سر راه تحقق اخلاق و معنویت در ابعاد مختلف معرفتی و عملی با عوامل مختلف درونی و بیرونی موانعی وجود دارد. برای مثال، در بعد معرفتی موانع بینشی، گرایشی و رفتاری، مانند: غفلت از مبدأ و معاد، کفر و شرک، دنیادوستی، اشرافی‌گری و غیره مورد بحث قرار گرفته اند. رفع موانع، حل چالش‌ها، تشخیص اخلاق و معنویت و گسترش اخلاق و معنویت دینی در میان اقشار مختلف، زمینه‌دریافت بیشتر ظرایف و دقایق معنوی و اخلاقی و کسب کمالات برتر از جمله مقام قرب الهی را فراهم می کند و با رعایت اصول اخلاقی و معنویت برآمده از انقلاب اسلامی، امنیت اجتماعی، عمل به ارزش‌ها و فضایل دینی و الهی گسترش و رونق بیشتری خواهد یافت.

## پی‌نوشت‌ها

۱. (سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (فتح: ۲۳). (سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدَ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا) (اسراء: ۷۷).
۲. (الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ اللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) حج: ۴۱
۳. (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ) آل عمران: ۱۱۰
۴. (يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) نساء: ۱۱۴
۵. (وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) بقره: ۱۹۵.
۶. (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَّمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِدَهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) بقره: ۲۳۳.
۷. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) مائده: ۲
۸. (إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا) انسان، ۹. (قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) انعام، ۱۶۲
۹. (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) اعلیٰ، ۱. (يَا صَاحِبِي السِّجْنِ أَرَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ) يوسف، ۳۹. (وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) توبه، ۴۰.
۱۰. (وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ) بقره، ۱۶۵.
۱۱. (إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ) مائده، ۴۸. (قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ بَعْضَ رِبَا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ) انعام، ۱۶۴.
۱۲. (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ) وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

- بَعِيدًا) نساء، ۱۱۶. (وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) لقمان، ۱۳.
۱۳. (وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ) توبه، ۶۸. (يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتِسَبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ) حديد، ۱۳.
۱۴. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) بقره، ۲۶۴.
۱۵. (وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) بقره، ۲۱۷.
۱۶. (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) اعراف، ۱۴۷.
۱۷. (... وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) مائده، ۵. (... أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) توبه، ۶۹.
۱۸. (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرَضُّونَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) توبه، ۲۴.
۱۹. (إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا) الانسان، ۹.
۲۰. (فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا) (وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا) نساء: ۷۴ و ۱۰۰.
۲۱. (وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) بقره ۲۶۵.

## کتابنامه

- قرآن کریم  
نهج البلاغه  
بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)  
ابن خلدون، عبدالرحمن مقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عربی، محی الدین، تهذیب الاخلاق، ترجمه زاهد ویسی.  
ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
ارسطو، سیاست، مترجم: حمید عنایت، تهران: امیرکبیر.  
اسدیپور، احمد علی. فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، بندر عباس: دانشگاه آزاد.  
افلاطون، جمهوری، مترجم: فؤاد روحانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.  
بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، محقق: محمد عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: سید مهدی رجائی، دار کتاب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، محقق: مصطفی خلیلی، قم: مرکز نشر اسراء.  
خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد، حفظ و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.  
خمینی، روح الله، صحیفه امام، حفظ و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.  
خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد بن حسن، اخلاق ناصری، بی تا، بی جا.  
دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران: ناشر چاپی.  
رودگر، محمد جواد، ۱۳۹۲، کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله) نشریه مطالعات معنوی. ش ۱۰.
- سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.  
سیف اللهی، سیف الله، جامعه شناسی توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، مؤسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا.  
سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.  
شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، چاپ

اول، ۱۴۰۹ق .

شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.

طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا) التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد قصیرعاملی، دار احیاء التراث العربی. مغنیه، محمدجواد، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجدیدة.

علیزاده، مهدی، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، قم: دفتر نشر معارف.

فارابی، ابونصر، آراء اهل المدينة الفاضله، بیروت: دار و مكتبة الهلال.

فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ق .

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

لیثی واسطی، علی، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال، ح ۴۳۰۱۲، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ق .

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق

مدرسی، سید محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش، احمدحسین شریفی، چاپ سوم،

قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،

شرکت چاپ و نشر بین الملل.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا.

مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، بی تا.

نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام،

مکتبة الفقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

